

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروده از جلد دوم ( « ای زن » )  
از رحیمه توخی  
۲۲ مارچ ۲۰۱۵

## ننوشیم می گلگون .. (\*)

بهار شاد می رسد ، آغوش میهن کجاست شکوفه های ارغوان ، لاله های دمن کجاست  
در سرزمین مستان ، خموشانه زیستن برکنیم ریشه جنون ، جوانه رستن کجاست  
در آسمان قیرگون ، چشمک نزد ستاره ای آن ماه نقره فام کو ، آسمان وطن کجاست  
درین دیار غربت ، عشرت نباشد پسند شیشه هاست پرز باده ؛ مگر آن انجمن کجاست  
به سان قو ، آرام نمیریم در گوشه ای ساحل رزمجوی میدانیم ، بیمی ز مردن کجاست  
تسکین درد و رنج ما ، نباشد « آبجو » هرگز علاج دردمائود ، جرعه ای آب وطن کجاست  
نشسته ایم به قایقی ، توفان می رسد ز دور لنگر و باد بان کو ، سکندار کهن کجاست  
نییم مایوس و غمین ، در ردیف آوارگان آزادیست آهنگ ما، صدای « تنن تنن » کجاست (۱)  
ننوشیم می گلگون ، ز لب جامی بلورین نبردیست پیشروی ، مینا و بهمن کجاست (۲)

[ \* ] " ننوشیم می گلگون "

(۱) " تنن تنن ":- در رابطه با آوردن این دو لفظ در سروده بایست مختصراً تذکار داد که دانشمند گرانمایه داکتر پرویز ناتل خانلری ، که عقیده دارد « ... افاعیل عروضی برای شعر فارسی نادرست است » ، در کتابش ( " وزن شعر فارسی " صفحه ۱۴۷ و ۴۸ و ۱۵۸ ) زیر عنوان « نامهای هجاها » نوشته:- « ... در علم ایقاع نیز چنین الفاظی قرار داده اند... » ، " مثالهای علم ایقاع برحسب ارکان عروضی وضع شده است " به ادامه ایشان لفظ " تنن " سبب خفیف و " تنن " سبب ثقیل و " تنن " و " تنن " را مثال و تد مقرون قرار داده اند « ... » [ در " فرهنگ سبا " لغت و تد بر فتح واو که جمع آن اوتاد بوده ، معنی آن علاوه برمیخ چوبی و فلزی به اصطلاح علم عروض عبارت از کلمه سه حرفی است که دو طرف آن متحرک و یک طرف آن ساکن مثال شجر ، چمن و ... آنرا و تد مقموع و و تد مقرون نیز میگویند. واژه ایقاع نیز در فرهنگ مذکور به معنای " هم آهنگ ساختن آواها " هم آمده است. ]

داکتر خانلری اوزان جدیدی برای شعر فارسی ساخته مثل : برای فَع = ( ت ت ) ؛ لاتن = ( تن تن ) ؛ فَعْلن = ( ت ت ت تن ) ؛ " نوا " که عربی آن فَعْل ( ت تن ) و یا برای " خوش آوا " که عربی آن فعولن ( ت تن تن ) و... ساخته است .  
فروتخانه بایست به عرض رساند که غرض از درج این یادداشت یاد آوری این نکته می باشد که الفاظ ("تنن تنن") در شعر فوق باز گوی اوزان عروضی نبوده ؛ بلکه جابجائی آن، همان هجا هایست که در پایان برخی از راگ های موسیقی کلاسیک گردان می شود ؛ مثلاً یکی از عالمای موسیقی شرق زنده یاد استاد سرآهنگ بعد از سرانیدن رباعی امیر خسرو { آنروز که روح پاک آدم به بدن --- گفتند درامیشد از ترس به تن --- خواندند ملایک به لحن داوود --- در تن در تن در تن در تن در تن } ترانه آن را - که از ساخته های خود شاعر و موسیقیدان، یعنی امیر خسرو می باشد - می سرائید. مسلماً آلات موسیقی به خصوص تار باب؛ مثل سه تار، رباب و سرود و... هم همین آواز ها را با سراینده یکجا منعکس می نمایند.

تار باب هر یک به تنهایی نیز قادرند (بدون سراینده) این الفاظ (تننه تن ، تنن تنن) را با مضارب (زخمه) نوازنده انعکاس بدهند.

ناگفته نباید گذاشت که ترانه یکی از ابحار شعری است که عروضیان این بحر را از مزاحفات بحر هزج دانسته و اصل آن را به صورت ذیل آورده اند:

مفعول { تن تن ت { ت تن ت تن { ت تن تن تن { تن { تن { این بحر اختصاصاتی دارد که در هیچ یک از بحور دیگر نمی توان یافت (مراجعه شود به ص ۲۱۴ همان کتاب )

به احتمال زیاد، چنین می پندارم که " ترانه " یکی از راگ های موسیقی کلاسیک نیز می باشد. در صورت اشتباه پژوهش خواسته ، تمنا می نمایم موسیقی دانان عزیز و گرانقدر کشورم مرا تصحیح نموده بر امتنانم بیفزایند.